

## آموزش فائده‌ها شده در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۰

(پرسش و پاسخ - قسمت ۲ از ۲)

لی هنگ‌جی

۵ سپتامبر، ۲۰۱۰ ~ منتهن

مرید: ممکن است از استاد محترم‌مان بپرسم که با توجه به رژیم سیاسی فعلی ویتنام، آیا [افرادی که آن‌جا زندگی می‌کنند] باید هنوز هم روی روشن‌گری حقیقت برای سرزمین چین کار کنند؟

**استاد:** وقتی مریدان دافا تحت شرایط سیاسی استثنایی زندگی می‌کنند، برای آن‌ها کافی است که درخصوص امور محلی خوب عمل کنند. وقتی شرایط و موقعیت‌های مناسب وجود ندارد، امور را به زور انجام ندهید. البته، گفته‌ام که بسیاری از مردم در سرزمین چین قابل توجه هستند، چراکه پادشاهان ملیت‌های گوناگون از دوره‌های مختلف گذشته، به همراه حیات‌هایی از سطوح بالا که برای شکل دادن پیوندهای تقدیری آمدند، آن‌جا باز پیدا شده‌اند. علی‌رغم این که مردم چینی امروزه به‌طور غیرقابل تشخیصی تباه شده‌اند— به‌طوری که رفتار، تفکر و روش آن‌ها برای انجام کارها همگی به‌طور وحشتناکی زشت و زنده شده است— اما اصل و مبدأ آن‌ها به‌هیچ وجه پست و حقیر نیست و بسیار محتمل است که پادشاه هر قومیتی در بین شما در حال زندگی در آن‌جا باشد. و مریدان دافا در سرزمین چین در حال استفاده از تمام قدرت خود هستند تا روی این مسائل کار کنند. اگر فکر می‌کنید که شرایط مورد نیاز برای کار کردن روی آن‌ها را نیز دارید، آن‌گاه این اشکالی ندارد. اگر ندارید، پس نگران نباشید. تمام مریدان دافای دنیا، شامل مریدان دافا در هر منطقه در سراسر چین، در حال کار کردن روی آن‌ها هستند.

مرید: چه پروژه‌ای برای نجات موجودات ذی‌شعور در افریقا مناسب‌ترین است؟ شن یون؟ تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید؟ یا ایک تایمز؟

**استاد:** (خنده) هر کدام که به‌بلوغ رسیده است را استفاده کنید. اگر احساس می‌کنید که آن‌تی‌دی‌تی‌وی به‌بلوغ رسیده است، پس آن رویکرد را استفاده کنید. اما اگر شرایط مناسب را ندارید، آن‌گاه آن به انجام نخواهد رسید. اگر این ایک تایمز باشد که به‌بلوغ رسیده است، پس ایک تایمز را آن‌جا راه بیندازید. موضوع این نیست که کدام پروژه بهتر مناسب است. بلکه باید اول در نظر بگیرید که آیا شرایط مناسب برای آن وجود دارد یا خیر، و دوم این که، به‌عنوان مریدان دافا باید برای خاطر موجودات ذی‌شعور، به‌روشی عملی درباره‌ی مسائل به‌طور کامل فکر کنید.

مرید: منابع دافا بالارزش هستند، چه‌کاری باید انجام دهیم که کل بدن‌های مریدان دافا قدر منابع دافا را بدانند؟

**استاد:** حقیقتاً. شاگردان زیادی هستند که در به‌دست آوردن پول ناتوان هستند، اما در خرج کردن آن اصلاً مشکلی ندارند. (خنده‌ی حضار) هرچه قدر زیاد هم باشد، هیچ دودلی برای خرج کردن آن ندارند، و کل آن را به‌سرعت مصرف می‌کنند، به‌طوری که درباره‌ی این فکر نمی‌کنند که این کار چه نتایجی خواهد داشت، درباره‌ی این که از کجا آمده است، یا پس از این که [پول خرج شد] شرایط ما چگونه خواهد بود. آنان هیچ حس مسئولیتی ندارند. خدایان همگی با نگاه خشم‌آلودی در حال مشاهده‌ی افرادی که این‌گونه عمل می‌کنند هستند. تلف کردن منابع دافا معادل مداخله با دافا و آسیب رساندن به آن است. شما منابع محدودی که داریم را هدر داده‌اید، برای وقتی که زمانی می‌رسد که واقعاً مردم را نجات داد چیزی باقی نگذاشته‌اید.

مرید: اصلاح- فاهم/کنون به انتها رسیده است، اما کشورها در جنوب شرق آسیا هنوز از عهده‌ی این برنیامده‌اند تا میزبان اجرای شن یون باشند. در این باره بسیار نگران هستیم. مایلم از استاد درخواست کنم لطفاً ما را نیرو بخشند به طوری که امیدوار بمانیم.

**استاد:** در واقع، شن یون مجبور نیست که ضرورتاً به آن جا برود. اگر رسانه‌های ما مانند اپک تایمز و ان تی تی وی [آن جا] به خوبی عمل می‌کنند، تأثیر روشن‌گری حقیقت آن‌ها مشابه خواهد بود. و این که، پروژه‌های دیگر نیز می‌توانند عالی باشند. تمام مریدان دافا باید قادر باشند نقشی را که برای آن‌ها در نظر گرفته شده ایفا کنند، چراکه فکر می‌کنم این با خوب انجام دادن کارها توسط شما ارتباط دارد. این طور نیست که اگر فقط شن یون بیاید می‌توانید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید. شن یون فقط یکی از ابتکارات است. فقط این طور است که من در حال اداره‌ی آن هستم چراکه الزامات حرفه‌ای بالا است و اگر یک شرکت بین‌المللی اجرای هنرها شبیه این نمی‌توانست به استاندارد هنری در سطح جهانی دست یابد عملی نمی‌بود.

مرید: در سرزمین چین، مردم از طبقه‌ی پایین‌تر و بالاتر درک خوبی از فالون گونگ دارند، اما طبقه‌ی متوسط اغلب از آن اجتناب می‌کنند و به آن توجهی نمی‌کنند. چگونه باید به این افراد دسترسی داشته باشیم؟

**استاد:** آن چه که در حال حاضر در سرزمین چین به عنوان "طبقه‌ی متوسط" تصور می‌شود به هیچ شکلی جریان اصلی جامعه نیست؛ بلکه یک طبقه‌ی دارای امتیاز است. در گذشته قبل از این که آزار و اذیت فالون گونگ شروع شود، بیش از نیمی از طبقه‌ی متوسط به بالای واقعی جریان اصلی جامعه‌ی چین فالون گونگ را پذیرفته بودند. حزب شرور پس از آن، این افراد، جریان اصلی، را به سمت دیگر راند و از آن هنگام طبقه‌ی فاسدی را ایجاد کرده که به عنوان هسته‌ی اصلی جامعه عمل می‌کنند. و از این رو این گونه است که اجتماع چینی تا حد غیرقابل اصلاحی فاسد شده است. البته، آن افرادی که به آن طبقه تعلق دارند شخصاً هنوز هم می‌توانند نجات یابند. آن چه که حیاتی می‌باشد این است که آن‌ها مایل باشند به حقیقت گوش کنند.

مرید: آیا وضعیت جاری امور در تایوان چیزی است که وابستگی‌های مریدان دافا به بار آورده یا آن نظم و ترتیب نیروی کهن است؟

**استاد:** من این گونه بیان می‌کنم. نیروهای کهن واقعاً نظم و ترتیب‌های خود را آن جا عمل کرده‌اند، اما اگر مریدان دافا نتوانند به خوبی عمل کنند، آن گاه برای شما به عنوان افراد، آن مسئله‌ای از تزکیه می‌شود. و اگر مریدان دافای یک منطقه نتوانند به خوبی عمل کنند، آن گاه آن منطقه مشکلاتی را تجربه خواهد کرد که توسط وابستگی‌های بشری به بار آمده است -- مشکلات زاده شده از وابستگی‌هایی که بین شاگردان مان یافت می‌شوند. بنابراین، اگر در خصوص موضوع خاصی هنوز هم بیش‌تر مریدان دافای تایوانی به خوبی عمل نکرده باشند، آن گاه آن واقعاً بر وضعیت امور آن منطقه اثر خواهد گذاشت. البته، نمی‌گویم که مریدان دافای تایوانی خوب عمل نکرده‌اند؛ برخی چیزها مداخله‌ی نیروی کهن هستند. برای مثال، اگر مریدان دافای ما قبلاً وابستگی‌های بشری‌ای که باعث شد همراه با خطوط حزب سیاسی آبی - سبز به طور تفرقه‌افکنانه‌ای فکر کنند را نمی‌داشتند، وضعیت امروز بهتر می‌بود. من این را از هم زمان شروع مکرراً مطرح کردم، چراکه می‌دیدم که نتایج چه خواهد بود. اما، برخی از شاگردان به رابطه‌های سیاسی بیش‌تر از تزکیه بها دادند. واقعاً سخت است که وابستگی‌های بشری را از بین برد.

مرید: مایلم از استاد درخواست کنم که در خصوص مورد زیر کمک کنند روشن شویم: اخیراً بسیاری از فعالیت‌های دافا در مالزی با انواع و اقسام مزاحمت‌ها مواجه شده است. آیا این به خاطر وجود کوتاهی‌هایی در تزکیه‌ی ما است، به خاطر این که خوب همکاری نکرده‌ایم، یا به خاطر موضوعات دیگر است؟

**استاد:** دلایل بیرونی وجود دارد، یعنی، مزاحمت از طرف دسته‌ی ح کچ. می‌توانید مطمئن باشید. اما در خصوص امریکای شمالی، دیگر نمی‌تواند برای اجراهای شن یون مزاحمت ایجاد کند، چراکه تئاترها یکدیگر را از مسائل آگاه می‌کنند. وقتی سعی می‌کند مزاحمت ایجاد کند، شاگردان مان می‌روند به آن‌ها کمک کنند نسبت به مسائل روشن شوند. و خود تئاتر به تئاتر قبلی [تور ما] زنگ می‌زند و می‌پرسد که اجراها آن جا چگونه بودند، و برنامه چگونه بود. سپس تئاتر قبلی به آن‌ها می‌گوید که این‌ها فوق‌العاده بودند، و برنامه را برای آن‌ها توصیف می‌کند. آن‌ها می‌پرسند که چگونه یک مقام رسمی از کنسول‌گری چین به آن‌ها زنگ زده و سعی کرده دخالت کند. و می‌خواهند بدانند چرا ایمیل‌های جعلی با این یا آن اسم دریافت کردند و تلفن‌های ناشناس به همراه

نامه‌ها، انواع و اقسام چیزهای منفی می‌گویند. سپس پی می‌برند که تتاثر قبلی همین چیزها را دریافت کرده است. به این شکل، تتاثر قبلی و نیز تتاثر فعلی همگی درباره‌ی مأموران مخفی ح‌ک‌چ و کارهای کنسول‌گری چین آگاهی پیدا می‌کنند. اما درخصوص مناطق دیگر [غیر از امریکای شمالی]، باید پرسیم که آیا آن‌جا مریدان دافای ما که میزبان شن یون هستند واقعاً سعی و کوشش زیادی برای آن صرف کرده‌اند؟ و این مخصوصاً برای اروپا صحت دارد. هر سال زمانه‌ی سختی دارید که حتی سود و مخارج را برابر کنید، و حالا درحال فکر کردن درباره‌ی این هستیم که آیا شرکت باید به آن‌جا برود. نمی‌توانید به این شکل ادامه دهید. باید این وضعیت را به‌طور جدی اداره کنید. منابع انسانی، مادی و مالی عظیمی مصرف می‌شود، بنابراین چرا آن را خوب انجام نمی‌دهید؟ اگر نتوانید آن را خوب انجام دهید، شاید باید متوقف کنید و به‌جای آن، پروژه‌های دیگر را انجام دهید، که این‌قدر پرمسئولیت نخواهند بود.

مری‌د: پس از اجراهای شن یون، تعداد افراد عادی که مایل هستند فالون‌گونگ را یاد بگیرند زیاد می‌شوند. آیا باید برای اشاعه‌ی فا جلسات تمرین بیرون بیشتر و فعالیت‌های بیش‌تری را سازمان‌دهی کنیم؟  
**استاد:** اگر مردم درحال آمدن هستند تا آن را یاد بگیرند، آن‌گاه آن فعالیت‌ها را سازمان‌دهی کنید. آیا همه‌ی کارهایی که مریدان دافا درحال انجام آن‌ها هستند برای نجات مردم نیست؟

مری‌د: در محل ما، یک‌بار پس از این‌که یک فیلم روشن‌گری حقیقت پخش شد، یکی از هماهنگ‌کنندگان یک صندوق جمع‌آوری را چرخاند و شاگردان را یکی یکی ترغیب کرد تا کمک مالی ارائه دهند.  
**استاد:** آن شخصی که به آن اشاره می‌کردید هر کسی که بود، هر کسی که جمع‌آوری را به عهده گرفت و افراد را یکی یکی ترغیب کرد تا کمک کنند، باید آن پول را برگرداند.

مری‌د: برخی از شاگردان احساس کردند که این رویکرد آموزش‌های فای استاد درباره‌ی جمع‌آوری پول را نقض می‌کند، و از بخشش امتناع ورزیدند. اما، شاگردانی بودند که مشارکت کردند و ظاهراً بلافاصله بیش از چهار هزار دلار جمع‌آوری کردند. اما حتی پس از این، شاگردان هنوز در حال بحث و گفتگو در این خصوص هستند و نمی‌توانند به یک جمع‌بندی برسند. صادقانه از استاد درخواست می‌کنم این موضوع را روشن کنند.  
**استاد:** پاسخ من برای شما این است: هر کسی که آن را جمع‌آوری کرده باید برگرداند.

مری‌د: برای تبلیغ شن یون، انجمن دافای سیدنی در یکی از جلسات مطالعه‌ی گروهی آن‌لاین که کل استرالیا را دربرمی‌گیرد، از همه درخواست کرد که پول ببخشند تا کمک کند هزینه‌های شاگردان تایوان که به استرالیا می‌آمدند تا آموزش برگزار کنند را جبران کند. آیا این درست بود؟  
**استاد:** اگر استاد چنین کارهایی را انجام نمی‌دهد، شما هم نباید [انجام دهید]. چیزهای زیادی هستند که واقعاً باید درنگ کنید و درباره‌ی آن بیندیشید.

مری‌د: برخی از قضات خارج از چین هم‌سو با عدالت رای می‌دهند، اما پس از آن توسط شیطان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، که منجر به نتیجه‌ای منفی شد. آیا این به وابستگی‌های خاصی که بین مریدان یافت می‌شود ارتباط دارد؟ چگونه می‌توانیم بهتر عمل کنیم؟

**استاد:** مریدان دافا آن‌چه را که قرار بوده، انجام دادند. نیروهای کهن دیدند که تأثیر آن درحال افزایش بود، و تأثیری که روی شیطان داشت طوری بود که به نفع شما می‌شد، بنابراین اقدام کردند تا مشکل درست کنند. اما بسیاری از چیزها این‌قدر ساده نیستند. وقتی مریدان دافا پر از افکار درست باشند، یا درحال انجام کاری باشیم که واقعاً برای انجام آن فراخوانده شده باشیم، آن‌گاه خدایان مشارکت خواهند کرد و کمک ارائه خواهند کرد. هر دو سناریو وجود دارند.

مری‌د: چگونه بین هم‌ترکیه‌کنندگان دسته‌بندی به‌وجود می‌آید؟ و چه کاری باید انجام دهیم تا آن‌ها را از بین ببریم؟

**استاد:** وقتی وابستگی‌های بشری به هم برخورد کنند، و افراد از نگاه کردن به درون امتناع ورزند، به طوری که هر یک چیزها را با تفکر بشری نگاه کنند و دیگران را حقیر بشمرند، در طول زمان دسته‌بندی‌هایی شکل خواهد گرفت. و شبیه مردم عادی، از موافقت با یکدیگر دست می‌کشند. به جای آن، به مسائل با افکار مثبت نگاه کنید، و اگر هر دو طرف بتوانند از عهده‌ی این برآیند تا به دنبال کوتاهی‌های خودشان باشند، و هر دو طرف به طور واقعی بهتر عمل کنند، آن‌گاه خواهید دید که طرف دیگر تغییر می‌کند و آن شخص به دنبال کوتاهی‌های خودش خواهد بود. اگر بتوانید این کار را انجام دهید، هیچ‌گونه دسته‌بندی به وجود نخواهد آمد. از بین بردن دسته‌بندی‌ها تفاوتی ندارد. شما هر دو یک فایده می‌کنید، و هر دو یک تقدیر را دارید. بنابراین اگر چیزی وجود دارد که صرفاً نمی‌توانید بر آن فایده بیابید، آن‌گاه با شخص دیگر گفتگویی رو در رو داشته باشید و واقعاً مایل باشید هر کوتاهی از طرف خودتان که او ممکن است اشاره کند را بپذیرید. آن‌گاه آیا مشکل حل خواهد شد؟

مرید: مایلم از استاد بپرسم: بین تبلیغ رسانه‌ها مانند ان‌تی‌وی‌تی‌وی و اپک تایمز، و روشن‌گری حقیقت درباره‌ی فالون گونگ، چگونه باید بهترین تعادل را بین این دو برقرار کنیم؟

**استاد:** خود تبلیغ اپک تایمز و ان‌تی‌وی‌تی‌وی به عنوان روشن‌گری حقیقت عمل می‌کند و افرادی که هنگام تبلیغ این رسانه‌ها با آن‌ها برخورد می‌کنید دقیقاً افرادی هستند که برای آن‌ها حقیقت را روشن کنید. یعنی، در تعامل با افراد می‌توانید حقیقت را برای آن‌ها روشن کنید. در خصوص این که این چیزها را در شرایط خاص چگونه اداره کنید، در طول کارتان تجربه به دست خواهید آورد. فقط با شخص صحبت کنید و بر طبق هر چیزی که فکر می‌کنید مناسب آن شخص است رویکردتان را تعدیل کنید.

مرید: در منطقه‌ی ما فقط دو یا سه تمرین‌کننده وجود دارد. درحالی که بحث می‌کردیم که آیا میزبان شن یون باشیم، به این نتیجه رسیدیم که نیروی انسانی بسیار کمی داریم، و بنابراین نگرانی‌هایی داشتیم. مایلم بپرسم که آیا این موردی از این است که افکار درست کافی نداریم؟

**استاد:** اگر فقط دو یا سه تمرین‌کننده دارید، آن‌گاه مسلم است که نیروی انسانی کافی ندارید؛ گرچه افراد می‌توانند باعث شوند چیزهایی اتفاق بیفتند. این که فکر کنید افراد خیلی کمی دارید مشکلی از افکار درست نیست. اما در برخی از مناطق فقط دو تمرین‌کننده بودند، اما دو اجرا در تئاتری برگزار کردند که بیش از دو هزار صندلی داشت، و تمام صندلی‌ها پر شدند. و در این سال‌ها تعداد قابل توجهی از این موارد شبیه این واقعاً وجود داشته است. در برخی موقعیت‌ها تماماً به این بستگی دارد که چگونه به امور می‌پردازید. اگر واقعاً قصد دارید آن را انجام دهید، و می‌خواهید آن را انجام دهید، آن‌گاه با کمال خلوص انجام دهید. در برخی از موارد دیگر، افراد احساس کردند که تعداد کافی ندارند، و بنابراین در جستجوی کمک از طرف مردم عادی بودند یا شرکتی عادی پیدا کردند تا به عنوان نماینده‌ی آن‌ها عمل کند. این یک مشکل است. آن‌هایی که این کار را کردند، با آن رویکرد، عدم موفقیت را تجربه کردند، و دچار ضررهای مالی شدند. دلیل این است که اعتباربخشی به فا و روشن‌گری حقیقت کارهایی هستند که مریدان دافا قرار است انجام دهند، و کار مردم عادی نیست. آن‌ها چنین تقوای عظیمی ندارند، و هر چه قدر هم آن شرکت بزرگ باشد، اهمیتی ندارد. اگر مطمئن نیستید که چگونه کارها را انجام دهید، می‌توانید از این شرکت‌ها درخواست کنید که مشورت‌های حرفه‌ای به شما ارائه دهند یا مقداری تبلیغات انجام دهند. این اشکالی ندارد. مسائل فقط وقتی به انجام می‌رسند که شما افرادی باشید که نقش اصلی را ایفا می‌کنید.

مرید: هنگام تعامل با هم‌تذکیه‌کنندگانی که گرایش دارند افکار درست کمتری بفرستند یا از میان سختی‌هایی گذر می‌کنند، بندهم احساس ناخوشایندی دارد، و گاهی اوقات حالت‌م زیاد خوب نیست.

**استاد:** برخی از احساس‌ها در واقع ممکن است واقعی نباشد. برای مثال، یک مرید دافا ممکن است بسیار عالی تذکیه کرده باشد، اما بدون توجه به این که چگونه به خوبی تذکیه می‌کند، هنوز هم یک موجودی بشری است که تذکیه می‌کند، و تا وقتی که به کمال نرسیده باشد، ترکیبی از هر چه که یک بدن بشری را در تمام سطوح می‌سازد خواهد بود، و کارما در بدنش وجود خواهد داشت. اگر هنگامی که در روند صعود یا ریختن کارما، یا ریختن این چیزها قرار دارد با او برخورد کنید، ممکن است فکر کنید، "اوه، بدن او مملو از چی سرد است" یا "چی سیاه" و این که "او واقعاً به طور ضعیفی تذکیه کرده است." اما این‌طور نیست. وقتی یک تذکیه‌کننده کارما می‌ریزد، آن در حال تبدیل می‌باشد، و تمام چیزی که یک ناظر می‌تواند حس کند میدان [این کارما] است. اما هیچ

تأثیر زبان‌باری بر دیگران ندارد. شخصی که در حال ریختن کارما است در روند صعود قرار دارد، و بیش‌تر این‌که، این روی می‌دهد دقیقاً به‌خاطر این‌که او خوب تزکیه است.

در حال حاضر تمام چیزهایی که برخی از افراد می‌توانند ببینند چیزهایی از سطوح بی‌نهایت پایین هستند. هیچ‌کسی نمی‌تواند تصویر واقعی چیزها را ببیند، یا ببیند که یک شخص چه‌قدر خوب تزکیه کرده است. تمام چیزی که می‌تواند مشاهده شود جنبه‌ای است که به‌طور کامل از اصلاح- فا گذر نکرده است یا تزکیه را کامل نکرده است. شبیه چیزی است که یک لحظه پیش گفتم. آن‌چه که شاکيامونی درک کرد که بالاترین شکل کیهان است چهار عنصر بزرگ بود- یعنی خاک، آب، آتش و باد. اما چه چیزی این چهار عنصر بزرگ از شکل می‌دهد؟ و بنیاد نهایی خاک، آب، آتش و باد چیست؟ عالم در هیچ زمینه‌ای دیگر خوب نبود و شروع کرده بود تا منحط و فرسوده شود. آن‌چه که دیده شد در واقع چیزی نبود که برای کیهان بزرگ‌تر بنیادی باشد، بلکه فقط چیزی بود که برای سیستم کیهانی کوچک منفردی در سطح کوچک خاصی بود. اما کیهان این‌قدر بزرگ است که غیرقابل مقایسه می‌باشد، و سیستم‌های بی‌شماری شبیه این وجود دارد. چه کسی می‌توانست بداند که سرنوشت بزرگ‌ترین کیهان چه می‌بود؟ چه کسی می‌تواند بداند که نتیجه‌ی تمام کارهایی که مریدان دافا در حال انجام آن هستند چه خواهد بود؟ چه کسی می‌تواند از وضعیت‌های حقیقی اما مهر و موم شده‌ی مریدان دافا که خوب تزکیه کرده‌اند آگاه باشد. حتی وقتی استاد کارما را برای موجودات ذی‌شعور از بین می‌برد زجر می‌کشد، و بدنش همه نوع [حالات] را خواهد داشت. پس آیا آن افرادی که سطح‌شان بسیار محدود است، و افرادی که نمی‌توانند تصویر واقعی چیزها را مشاهده کنند نیز می‌خواهند فکر کنند که استاد مشکلاتی دارد؟ و در آن اوقات من برای موجودات ذی‌شعور در حال تحمل کارمای گناه هستم، که در بین آن‌ها افرادی هستند که نمی‌توانند تصویر واقعی چیزها را مشاهده کنند، گرچه این توانایی را دارند که ببینند.

چشم سوم برخی از افراد باز است، اما در واقع این مسئله تزکیه‌ی آن‌ها را سخت‌تر ساخته است. وقتی چشم سوم‌شان باز باشد نیروهای کهن سختی‌ها و آزمایش‌هایی را برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند. و این برای آن‌هایی که به خود اجازه دادند توسط مسیرهای کوچک‌تر مورد مداخله قرار گیرند و فکر می‌کنند که چیزی خاص هستند مخصوصاً صحت دارد. اما هیچ هم‌چو چیزی نیست. آن‌ها کاملاً فریب خورده و در آن فرو افتادند، غیرمنطقی و عجیب و غریب رفتار می‌کنند. اما وضعیت واقعی امور چیزی است که تزکیه‌کنندگان مطلقاً از دیدن آن‌ها ممنوع شدند. و به‌ویژه این برای افرادی که در وضعیت قفل‌نشده و باز تزکیه می‌کنند این چنین است. به آن‌ها فقط اجازه داده شده چیزهایی که برای‌شان در نظر گرفته شده و چیزهایی که برای خاطر آن‌ها نظم و ترتیب داده شده را ببینند؛ اجازه ندارند چیزهایی که برای چشم‌هایشان در نظر گرفته نشده را ببینند، چراکه هنوز در حال تزکیه هستند. اگر تزکیه‌کننده واقعاً تزکیه کردن را متوقف کند، آن‌گاه کاملاً سناریوی متفاوتی است.

بارها و بارها شرح دادم که هیچ‌کسی نمی‌تواند وضعیت واقعی چیزها را ببیند، چراکه آن شبیه چیزی نیست که این‌جا در این کیهان کهن متجلی می‌شود درحالی که هنوز در میان روند تاریخ قرار دارد. هیچ‌یک از آن‌ها دیگر وجود ندارند. همان‌طور که می‌دانید، در گذشته هر جهانی که بد می‌شد- بدون توجه به سطحی که در آن بود- تا وقتی که دیگر خوب نبود، از بین می‌رفت، به‌طوری که فاجعه‌های بزرگ و کوچکی برای آن اتفاق می‌افتاد. اما تمام چنین اتفاقاتی بخشی از کیهان کهن بود، چراکه در زمان خلق این کیهان، چیزها از آغاز تا پایان در یک زمان و هم‌زمان بنا نهاده شدند، به‌طوری که همگی به‌طور هم‌زمان به‌وجود آمدند، گذاشتند موجودات ذی‌شعور، درون آن محدوده، آن را زندگی کنند. یک زندگی قرار است یک مسیر را ببیماید، مسیری که پیشاپیش به‌وجود آمده بود، از آغاز تا پایان. دقیقاً مانند متن یک نمایش، تمام آن را دارد، به‌طوری که مردم از ابتدا تا پایان فقط سهم خود را اجرا می‌کنند. فقط این‌طور است که در کیهان عظیم زمان‌ها و بعدهای مختلفی وجود دارد. وقتی شخصی که بدنش در یک بعد آهسته قرار دارد قادر است زندگی و دوره‌ی زندگی موجودی در بعد سریع را ببیند، تمام زمانی که طول می‌کشد کسری از ثانیه است- و حتی کل دوره‌ی آن هستی جهان [بعد سریع] ممکن است دیده شود، چراکه آن به‌طور هم‌زمان در آن فضا وجود دارد. تمام این‌ها در همان زمان وجود دارد. این، زمان است که آن را به زمان- مکان‌ها و زمان- محیط‌های مختلف تقسیم کرده است. اما در حال حاضر، دیگر چیزها این‌طور نیستند. این بدین دلیل است که کیهان در حال گذر از اصلاح- فا است. هیچ چیزی به‌هیچ وجه دیگر به‌اندازه‌ی کافی خوب نیست، تمام این‌ها کارشان تمام است. آن‌چه که در گذشته خوب بود هماهنگ و دوباره ساخته شده است، درحالی که آن‌چه که بد بود برداشته شده است. درخصوص کیهان کهن و حیات‌های آن، هر چیزی که کاملاً جدید است مطلقاً هیچ ارتباط و پیوستگی با آن‌ها ندارد. حیات‌هایی در کیهان کهن که حیات‌هایی در کیهان جدید نخواهند شد هرگز نخواهند دانست

کیهان جدید شبیه چیست. به عبارت دیگر، تا وقتی که در کیهان کهن هستید، هرگز نمی‌دانید کیهان جدید چه شکلی است. بدون توجه به این که سطح یک خد در دنیای امروز چه قدر بالا است، تا وقتی که از میان اصلاح- فا گذر نکرده باشد، از [کیهان جدید] آگاه نخواهد بود. هیچ کسی ارزش آگاهی از آن را ندارد، به جز کسی که آن را اصلاح می‌کند، چراکه حتی بالاترین خدایان در کیهان درحال مواجه شدن با اصلاح- فا هستند و درحال آزمایش هستند که آیا می‌توانند موفق شوند و بمانند. پس، از این منظر، آن‌هایی که در سطوح پایین درحال تزکیه هستند اما چشم سوم‌شان باز است واقعاً چیزی نیستند. یک‌بار که وابستگی‌های بشری فعال شود، باعث می‌شود افراد غیرمنطقی رفتار کنند و فراموش کنند چه کسی هستند.

مرید: ممکن است بیرسم که آیا گروه موسیقی سرزمین خدایی در اروپا مهم است؟

**استاد:** تا وقتی که برای نجات مردم مورد نیاز می‌باشد، آن گاه مهم است. وقتی مورد نیاز نباشد، آن با اهمیت نیست. گروه موسیقی سرزمین خدایی وقتی برای اجرای نقش در روند نجات مردم مورد نیاز است مهم می‌باشد. با این حال، در تفکر تان به افراط و تفریط نروید. اگر حالا که شنیدید استاد گفت که این گروه برای نجات مردم مهم است بروید و هر روز تمام وقت ترومپت تمرین کنید، پس این خوب نیست. مریدان دافای من، وقتی چیزهایی مورد نیاز هستند، بروید و آن‌ها را انجام دهید. وقتی مورد نیاز نیستند، و پروژه‌های دیگر نیازمند هستند، آن گاه بروید و روی آن پروژه‌های دیگر کار کنید. من این گونه به آن می‌نگرم.

مرید: آیا می‌توانیم قبل از یک اجرای شن یون گروه موسیقی سرزمین خدایی را به یک شهر ببریم، به طوری که مردم آن جا همگی درباره‌ی فالون گونگ مطلع شوند؟

**استاد:** در اجتماع غربی نباید این کار را انجام دهید. من درحال معرفی شن یون به صورت یک شرکت اجرای هنری مستقل و در سطح جهانی هستم، بنابراین مطلقاً نباید بروید و آن را به چیزی شبیه محصولات ارزان که مردم در بازار جار می‌زنند تبدیل کنید. من نیازی ندارم که قبل از نمایش به خطوط مقدم پیش بروید، چراکه خودم مسائل در بعدهای دیگر را اداره خواهم کرد. (تشویق) البته در این که می‌خواهید در آن منطقه آگاهی درباره‌ی فالون گونگ را بالا ببرید چیز اشتباهی وجود ندارد، اما نمی‌توانید آن چه را که توصیف کردید انجام دهید. نیازی ندارید که اصرار داشته باشید به مردم بگویید که شن یون با فالون گونگ ارتباط دارد و برای آن هیاهویی برپا کنید. من این ارتباط را پنهان نمی‌کنم، اما عمداً هم به دنبال این نیستم. می‌دانید، با نگاه به سه یا پنج دهه‌ی گذشته، هشتاد درصد مردم دنیا یا بیش از آن، اعتقادات مذهبی داشتند، به طوری که تقریباً تمام اعضای برخی از شرکت‌های نمایشی اشخاصی با اعتقادات کاتولیک یا مسیحی بودند. اما هرگز نمی‌شنیدید که قبل از اجراهای شان اعلام کنند، "ما مسیحیانی هستیم که آمده‌ایم تا اجرا داشته باشیم" یا "ما کاتولیک‌هایی هستیم که آمده‌ایم تا اجرا داشته باشیم". آیا هیچ کسی چنین چیزهایی می‌گفت؟ حتی گروه‌های اجرا که از جانب رژیم حزب شیطان‌ی اهریمنی اداره می‌شوند، که تمام دنیا می‌دانند که درحال انجام این کار هستند، قبل از نمایش وابستگی خود به حزب را افشا نمی‌کنند. پس چرا ما باید این قدر خودمان را برای انجام این کار مجبور کنیم؟ آیا این تحمیل استاندار مضاعف [بر خودمان] نیست؟ بله، مشکل تحت آزار و اذیت بودن فالون گونگ وجود دارد. اما درحالی که از این موضوع اجتناب نمی‌کنم، در عین حال به صورت فعالانه‌ی نیز درباره‌ی آن صحبت نمی‌کنم. به خودتان اجازه ندهید توسط افرادی که نیروهای کهن کنترل‌شان می‌کنند نوسان پیدا کنید. روشی که من امور را اداره می‌کنم شبیه طوری که شما اداره می‌کنید نیست، که به راحتی نوسان پیدا کنم.

مرید: دقیقاً چگونه باید رابطه‌ی بین سه رسانه‌ی عمده‌مان و انجمن دافا را اداره کنیم؟ و همان طور که به کارمان می‌پردازیم چگونه باید این را به طور درستی اداره کنیم؟

**استاد:** اگر شما در یکی از سه رسانه‌ی عمده یا در پروژه‌ی دیگری هستید، تا وقتی که شاگردی در انجمن دافای آن محل هستید، باید رابطه‌ی همکاری خوبی با انجمن داشته باشید. اگر انجمن یک برنامه، یک گروه بزرگ مطالعه، یا هر چه که ممکن است باشد را ترتیب دهد، و از شما درخواست کند که بخشی از آن باشید، پس تا وقتی که گرفتار نباشید باید بروید و شرکت کنید. اگر فکر می‌کنید که واقعاً خیلی گرفتار هستید، پس البته قابل درک است و مشکلی نیست. اما به عنوان شاگردی از دافا، هر چه باشد شاگردی از آن منطقه هستید. رسانه‌های ما با ابتکارات خود شاگردان ما برپا شدند، و حتی من نمی‌توانم بگویم که آن‌ها باید تحت حوزه‌ی آن انجمن باشند، چراکه انجمن فقط مراقب تزکیه است. حالا درخصوص شما به صورت انفرادی، یک تزکیه‌کننده هستید، و

بنابراین ضرورتاً تحت تصدی هماهنگی انجمن دافا در محل خودتان هستید. این شبیه رابطه‌ی من با شما است: آیا می‌توان گفت چون هر مرید دافا پروژه‌ای دارد که به آن گره خورده است، که متعلق به آن پروژه است، و نیازی نیست که من، استادش، دیگر مراقب او باشم؟ خیر، این گونه نیست. هنوز درحال تزکیه کردن هستید و بنابراین استاد هنوز هم باید مراقب شما باشد. این چیزها این گونه به هم ربط دارند.

مرید: شاگردان دافا در تایوان مطالعه‌ی گروهی فا را یک "مجلس خواندن" می‌نامند. آیا این مناسب است؟

**استاد:** خیر، زیاد مناسب نیست. باید با جدیت کامل با تزکیه‌ی دافا برخورد کنید. سعی نکنید متفاوت باشید و اصطلاحات جدیدی مانند آن درست کنید. اصطلاحاتی که توسط من استفاده نشده را در فا مخلوط نکنید، مخصوصاً چیزهایی از مذاهب گذشته یا افراد عادی دیگر. هم‌چنین نباید از روی بی‌فکری چیزهای کسب شده از دیگر شکل‌های تزکیه را به دافا بیاورید. برخی از چیزها هنوز پیام‌هایی را حمل می‌کنند و این‌ها می‌توانند به‌آسانی توسط چیزهای بد مورد استفاده قرار گیرند.

مرید: پس از این که استاد درباره‌ی همکاری با هماهنگ‌کنندگان صحبت کردند، برخی از شاگردان این معنی را گرفتند که آن‌ها باید فقط برطبق طرح‌های هماهنگ‌کننده عمل کنند و فکر می‌کنند که اگر فقط منتظر بمانند تا هماهنگ‌کننده امور را سازمان‌دهی کند همه چیز خوب است. و وقتی برای آن‌ها کاری سازمان‌دهی نشده که انجام دهند، به‌طور فعالانه‌ای به‌دنبال کارهایی که می‌توانند انجام دهند نمی‌روند و درخصوص نجات موجودات ذی‌شعور فعالانه عمل نمی‌کنند.

**استاد:** هماهنگ‌کنندگان فقط کارها را برطبق نیاز برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها نمی‌توانند تک تک روزها برای شما طرح‌ریزی کنند. البته وقتی هیچ فعالیت‌های گروهی ترتیب داده شده وجود ندارد باید به‌طور فعال و داوطلبانه کارهایی که مریدان دافا انجام می‌دهند تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند انجام دهید. آن‌ها چیزهایی نیستند که بتوانید منتظر یک هماهنگ‌کننده بمانید تا نظم و ترتیب دهد. فقط در مورد رابطه‌ی بین هماهنگ‌کننده و شاگردان مان درحال صحبت هستیم.

مرید: من شاگردی هستم که حقیقت را در محله‌ی چینی‌های شیکاگو روشن می‌کنم. مایلیم از استاد محترم بپرسم که آیا درست است که در مکان‌هایی که حقیقت را روشن می‌کنیم روزنامه‌ی ایک تایمز را توزیع کنیم و مردم را برای خروج از حزب ترغیب کنیم؟

**استاد:** برخی از رسانه‌ها [ما] به کاری که درحال انجام آن هستند هیچ فکر نمی‌کنند و همیشه فالون گونگ را در جلو قرار می‌دهند، "ایک تایمز فالون گونگ"، "ان تی دی تی وی فالون گونگ" این چیز فالون گونگ، آن چیز فالون گونگ. برخی از شاگردان فقط بر انجام این کار اصرار می‌ورزند، درصورتی که درواقع نیازی نیست این کار را انجام دهند. و درواقع، حتی اگر این را نمی‌گفتید، هنوز هم مردم می‌دانستند. بسیاری از افراد می‌دانند که ایک تایمز توسط شاگردان فالون گونگ اداره می‌شود، اما آیا متوجه می‌شوید که تمام آن گفته‌ها درباره‌ی این که افراد فرضاً بگویند که اگر فالون گونگ را پیش نکشید این یا آن مسئله را خواهید داشت، درواقع چیزی بود که توسط مأموران مخفی حزب شورور مطرح شد؟ با این حال چرا همیشه این کلمات را بیان می‌کنید؟ آیا تابه‌حال درباره‌ی آن نیندیشیده‌اید؟ با نگاه به چندین دهه پیش، بسیاری از سازمان‌های رسانه‌ای، از شخص در رأس گرفته تا پرسنل، همگی از افراد مسیحی تشکیل شده بودند. اما هیچ کسی به آن‌ها نمی‌گفت که همیشه با مطرح کردن این جمله شروع کنند که "ما مسیحی هستیم" این چیز و آن چیز، "ما کاتولیک هستیم" و چنین و چنان روزنامه‌ای هستیم. (خنده‌ی حضار) آیا هرگز چنین کاری می‌کردند؟ آیا این عجیب نمی‌بود؟ چرا این را عجیب نمی‌یابید؟

البته، درباره‌ی این شاگرد که این پرسش را مطرح کرد صحبت نمی‌کنم. چیزی که می‌گویم این است که، درحال حاضر نیروی انسانی ما محدود است، بنابراین وقتی می‌خواهید به این شخص یک روزنامه بدهید به همراه [مجموعه‌ای از مطالب دیگر]، و درعین حال مردم را به خروج از حزب ترغیب کنید، و حقیقت را روشن کنید، این مشکلی را به‌وجود می‌آورد. نمی‌توانم بگویم که این درست است که این کار را انجام دهید یا خیر، اما می‌توانم شما را ترغیب کنم که سعی کنید این را به‌خوبی اداره کنید. معمولاً مناسب‌تر است که روزنامه را در یک سوپرمارکت بگذارید، و سپس فقط مطالب روشن‌گری حقیقت را به خود ببرید وقتی می‌خواهید بروید تا بیرون آمدن از حزب را ترویج دهید. شاگردانی که این رسانه‌ها را اداره می‌کنند باید درباره‌ی این فکر کنند که چگونه موقعیت رسانه‌های اداره شده توسط مریدان دافا به‌عنوان بخشی از اجتماع و رسانه‌ی عادی در اجتماع عادی شدن را به‌خوبی به‌هم پیوند دهند. اگر رسانه‌هایی که مریدان دافای ما اداره می‌کنند از دید مردم بسیار معتبر شود، قدرت بسیار بیش‌تری در روشن‌گری حقیقت

خواهند داشت. اما اگر همیشه رویکردهای نامناسب را استفاده کنید، ممکن است در مردم این برداشت را ایجاد کنید که غیر حرفه‌ای هستید. روزنامه به دلیل ماهیت خود رویکرد دیگری را برای روشن‌گری حقیقت برمی‌گزیند، و مانند روشن‌گری حقیقت به‌طور مستقیم نیست. بنابراین، باید این را به‌خوبی اداره کنید.

مرید: دوستان عادی به من گفتند که از وقتی که به ایالات متحده آمدند، با مریدان دافا برخورد کرده‌اند که در خیابان سعی می‌کنند حقیقت را برای آن‌ها روشن کنند و یک‌راست به آن‌ها می‌گویند که "آسمان می‌خواهد ح‌ک‌چ را از بین ببرد" و چیزهایی شبیه این. نه تنها پذیرش این برای آن‌ها سخت است، بلکه حسی منفی در آن‌ها برمی‌انگیزد. پس از آن، وقتی حقیقت به آن‌ها معرفی می‌شود این برای آن‌ها مانعی می‌شود. نمی‌دانم آیا افراد ما می‌توانند رویکردشان را تغییر دهند، و کارها را پله پله به‌پله انجام دهند، به‌جای این که کارها را بدون این که درباره‌ی آن‌ها فکر کنند انجام دهند؟

**استاد:** درست می‌گویید. مریدان دافا باید مواظب رویکردی که هنگام روشن‌گری حقیقت برمی‌گزینند باشند، چراکه افراد همه نوع قالب ذهنی را دارند. و این مخصوصاً درخصوص افراد چینی مهم است، که سرشان با طرز تفکر، واژه‌ها و رفتار فرهنگ حزب شیطانی پر شده است و در حصارهای فرهنگ حزب شرور به دام افتاده‌اند. حتی وقتی برخی از افراد چینی به حزب شرور دشنام می‌دهند، در بافت و فحوای خود [حزب] این کار را می‌کنند، بدون این که هرگز ماهیت حزب شرور را درک کنند. بنابراین می‌گوییم که نیاز دارید به‌طور منطقی به امور بپردازید، و فقط کارها را سطحی انجام ندهید. اگر می‌خواهید مردم را نجات دهید، آن‌گاه باید بیش‌تر برای آن صرف کنید و فقط کارها را سطحی انجام ندهید.

گفتن این که، "آسمان می‌خواهد ح‌ک‌چ را از بین ببرد"، نتیجه‌ی نهایی‌ای است که تزکیه‌کنندگان به درکی از آن رسیده‌اند. وقتی حقیقت را روشن می‌کنید این را جمله‌ی آغازین خود نسازید. اما اگر واقعاً مسائل را برای مردم توضیح داده‌اید و پس از آن به این بپردازید که این حزب چه قدر شیطانی است و آسمان می‌خواهد آن را از بین ببرد، آن‌گاه این اشکالی ندارد. اما وقتی هنوز حقیقت را برای آن شخص روشن نکرده‌اید و به این می‌پردازید که "آسمان می‌خواهد ح‌ک‌چ را از بین ببرد"، و این شخص واقعاً به درکی از مسائل نرسیده است، آن‌گاه آن‌ها فکر می‌کنند که شما درحال "سیاسی شدن" هستید.

مرید: آکادمی هنرهای فی‌تیان درحال تأسیس یک شعبه در تایوان است. برخی از شاگردان عقیده دارند که فرزندان مریدان دافا باید افرادی باشند که در عضوگیری هدف قرار می‌دهیم. مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که هدف از تأسیس یک شعبه از آکادمی هنرهای فی‌تیان در تایوان چیست؟

**استاد:** داشتن یک مدرسه در ایالات متحده به این معنی است که برای مریدان دافا به میزان کافی است؛ نیازی نیست که مدرسه‌های بیش‌تری داشته باشیم که برای مریدان دافا باشند. درواقع نیازی ندارید که اسم "فی‌تیان" را استفاده کنید. از آن‌جا که کاملاً مریدان هستند که درحال انجام این کار هستند، چرا اجتماع عادی را هدف قرار ندهیم، پسران و دختران مردم عادی را بپذیرید و حقیقت را برای آن‌ها روشن کنید، و آن‌ها را نجات دهید، کانال‌های بیش‌تری را باز کنید [تا مردم حقیقت را دریافت کنند]. به این شکل، منابع دافا را مصرف نمی‌کند. بنابراین، امیدوارم هر منطقه که یک مدرسه تأسیس می‌کند آن را به شکل درست و مناسبی در اجتماع عادی تأسیس کند، بدین صورت که تعامل بیش‌تری با اجتماع عادی ایجاد کند و اجازه دهد مردم بیش‌تری را نجات دهیم. بیاید مدارس برای مریدان دافا را شروع نکنیم.

مرید: در منطقه‌ی ما ناسازگاری‌های بی‌پایانی بین شاگردان درباره‌ی چگونگی متعادل کردن نیاز برای تبلیغ حرفه‌ای‌تر شن یون و نیاز برای داشتن افکار درست وجود دارد. آیا ممکن است از استاد درخواست کنم مجدداً روشن کنند که چگونه این دو موضوع باید هریک نسبت به دیگری در نظر گرفته شود.

**استاد:** بین این دو تضادی وجود ندارد. این درباره‌ی این است که تزکیه‌کنندگان نیاز دارند که حرفه‌ای‌تر شوند، و درباره‌ی این نیست که مردم عادی کار مریدان دافا را برای آن‌ها انجام دهند. نکته‌ی کلیدی نگرشی است که هنگام انجام کارها دارید-- چیزی که شما را هدایت می‌کند تا آن‌ها را انجام دهید. هر کسی که وقتی درباره‌ی کارها بحث و گفتگو می‌کنید همواره درباره‌ی این چیز و آن چیز ایراد می‌گیرد، درحال به‌تأخیر انداختن کارتان است و مشکلاتی دارد. و فقط منظورم تبلیغات شن یون نیست. درباره‌ی چیزهای دیگر هم این‌طور است. چه چیزی برای ایراد گرفتن وجود دارد؟ فقط بروید و آن را انجام دهید-- واقعاً و حقیقتاً به‌طور



کامل به انجام کارها بپردازید. به عنوان یک مرید دافا، اگر روی چیزی که خوب انجام نشده است انگشت می‌گذارید، پس درخصوص بهتر ساختن چیزها پیش قدم باشید. وقتی در جلسات درباره‌ی مسائل صحبت می‌کنید، هر کسی که همیشه با دیگران وارد مشاجره می‌شود، درستی ایده‌های دیگران را مورد بررسی و پرسش قرار می‌دهد، یا به تصویر کلی نگاه نمی‌کند، که پس از آن باعث می‌شود کل پروژه به بی‌ثمری ختم شود— آن شخص مشکل دارد. نیازی نیست همه چیز تا نقطه‌ی کمال مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. گاهی اوقات فقط نیاز دارید که اقدام کنید، و در روند [انجام کارها] کارها را خوب انجام دهید. حتی اگر فکر کنید که ایده‌ی شما عالی است، و می‌تواند صد نفر را نجات دهد، اگر آن را به انجام نرسانید بی‌فایده است. در عین حال، اگر چیزی بتواند فقط یک شخص را نجات دهد، پس هر کسی که آن را انجام دهد به آن اندازه تقوای عظیم برای آن به دست می‌آورد.

مرید: مایلم از استاد بپرسم، در حال حاضر، وقتی رسانه‌های ما نیاز به پول دارند، آیا می‌توانیم به مقدار کمی از مردم عادی کمک درخواست کنیم تا فعالیت‌های تجاری‌مان را حمایت کنند؟

**استاد:** مشکلی در درخواست کمک برای یک شرکت رسانه‌ای نیست، چراکه این یک مرید دافا یا انجمن دافا نیست که درخواست کمک می‌کند، و آن برای امور تزکیه نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همان طور که می‌دانید، تزکیه متضمن هیچ هزینه‌ای نمی‌شود. اما نهاد رسانه‌ای یک شرکتی است که ذاتاً در اجتماع عادی بشری تأسیس می‌شود. شرکت‌های رسانه‌ای که شما اداره می‌کنید رسانه‌هایی نیستند که توسط دافا برپا شدند. این چیزی است که مدت‌ها قبل به شما گفتم. آن‌ها رسانه‌هایی هستند که توسط مریدان دافا بنیان گذاشته شدند و به این هدف که در اجتماع عادی ریشه کنند. دافا هیچ رسانه‌ای ندارد؛ دافا صرفاً تزکیه است. از آن جا که این‌ها رسانه‌های اجتماع عادی هستند، و شکلی که می‌گیرند مانند شرکت‌های عادی است، آن‌گاه [در کمک خواستن] چه مشکلی است؟ هیچ [مشکلی] نیست، و می‌توانید در این خصوص بهترین سعی‌تان را بکنید. دقیقاً مانند کسب و کارهای عادی که ممکن است کمک نیاز داشته باشند، می‌توانید به همین شکل درخواست حمایت کنید. در انجام این کار چیز اشتباهی وجود ندارد. اما نمی‌توانید در بین شاگردان ما درخواست حمایت کنید.

مرید: شن یون در سه شهر در منطقه‌ی خلیج سان فرانسیسکو اجرا داشت، و فقط در سان فرانسیسکو بود که نتیجه‌ی مالی زیاد خوب نبود. دفعه‌ی بعد هنگامی که تور به سان فرانسیسکو می‌آید، و فشار مالی نسبتاً بیش‌تر شود درک ما این است که باید موفقیت این اجراها را در سان فرانسیسکو در اولویت قرار دهیم و به‌طور موقت کارهای‌مان در شهرهای مجاور را کنار بگذاریم. مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که آیا این درک درست است؟

**استاد:** چیزهای خاص مانند این‌ها برای شماست که درباره‌ی آن‌ها بیندیشید. استاد مخالف داشتن اجرا در هیچ منطقه‌ی خاصی نیست، تا جایی که هیچ ضرر مالی نباشد. برخی از افراد می‌گویند، "از آن جا که حالا طبقه‌ی بالای اجتماع را هدف قرار می‌دهیم، بیایید بیش‌تر برای تبلیغات خرج کنیم." وقتی قیمت بلیت‌ها بالا می‌رود، ضرورتاً به این معنی نیست که هزینه‌های تبلیغات شما باید به همان نسبت بالا برود. این طور نیست. نباید برای این که درصد خاصی از ارزش بلیت یا درآمد کل را تطبیق دهید به‌طور افراطی خرج کنید. صرفاً مانند گذشته عمل کنید و این باید خوب باشد. رویکرد مبتنی بر درصد، که مردم عادی به کار می‌برند برای ما کار نمی‌کند. کاری که ما در حال انجام آن هستیم نجات مردم است و خدایان در حال مشارکت هستند، بنابراین حالت‌های تزکیه‌ی مریدان دافا خیلی مهم است. به انجام رساندن اجراهای [شن یون] نیز تزکیه است، و باید با همدیگر به‌خوبی همکاری کنید. باید حقیقت را برای مردمی که با آن‌ها در تعامل هستید روشن کنید، چراکه تمام موجودات ذی‌شعور در حال انتظار برای نجات یافتن هستند.

مرید: در حال حاضر، گروه موسیقی سرزمین خدایی در نیویورک در حال مطالعه‌ی مقدار زیادی تئوری موسیقی هستند، به‌طوری که حتی افراد امتحان می‌گیرند. آیا این اتلاف وقت نیست؟

**استاد:** شما این را می‌گویید که مقدار زیادی تئوری موسیقی وجود دارد که از آن‌ها خواسته می‌شود مطالعه کنند؟ آیا واقعاً این طور است؟ در حال حاضر این امکان‌پذیر نیست که سعی کنید افراد حرفه‌ای شوید. کارهای زیادی وجود دارند که نیاز است برای اعتباربخشی به فا انجام شوند. تا وقتی که روشن هستید [که چگونه موسیقی اجرا کنید]، به اندازه‌ی کافی خوب است؛ نیازی ندارید که عضوی در حد حرفه‌ای در گروه موسیقی سرزمین خدایی شوید. مریدان دافا هم‌زمان در حال به‌دوش گرفتن مأموریت‌های بسیار

زیادی هستند. این قابل درک است که همگی می‌خواهید هر یک از کارهایی که در حال انجام آن‌ها هستید را بهتر انجام دهید، اما واقعاً باید اولویت‌های‌تان را به‌دقت سبک و سنگین کنید.

مریله: کنفرانس‌های فا و جلسات کوچک قرار نیست که ضبط شوند، اما شاگردانی از سیدنی که روی شن یون کار می‌کردند ضبط می‌کردند، و به‌طور مکرر آن‌ها را به تمرین‌کنندگان دیگر دادند.

**استاد:** از هیچ کسی خواسته نشد که در جلسات ملاقاتی که من داشتم ضبط انجام دهد. هر کسی که چنین ضبط‌هایی تهیه کرده در حال انجام کاری بوده که به فا آسیب می‌رساند. چگونه می‌توانید چنین کاری انجام دهید؟ آیا به این چیزها مدت‌ها پیش اشاره نشد؟ هر کسی که این کار را انجام داده باید ضبط(ها) را به انجمن دفاعی محلی برگرداند.

مریله: مریدان دافا در اندونزی با همدیگر خوب همکاری نکرده‌اند. مایلم از استاد درخواست کنم ما را راهنمایی کنند.  
**استاد:** فکر می‌کنم که در واقع بسیاری از کارها خوب انجام شده است. گرچه ممکن است همکاری در برخی از موارد خوب نبوده باشد، اما ایمان دارم که در طول تزکیه به تدریج به همکاری خوبی می‌رسید.

مریله: مایلم از استاد محترم‌مان بپرسم که، همان‌طور که اخبار عادی را پوشش می‌دهیم و روزانه با آن آلوده می‌شویم، آیا برای ما ضروری است که سعی کنیم هر روز با افکارمان آن آلودگی را پس بزنیم؟ آیا این کار آلودگی را به حداقل می‌رساند؟  
**استاد:** خیر، نیازی ندارید که این کار را انجام دهید. به هر چیزی که نظر بیندازید آلوده کننده است. فقط نیاز دارید که مطالعه‌ی فای خود را افزایش دهید و این خوب خواهد بود. و همراه با این، باید هر روز با مدت‌زمان معمول، تمرین‌ها را انجام دهید و وقتی فا را مطالعه می‌کنید، نیاز دارید که مطمئن شوید که ذهن‌تان متمرکز است. اگر تزکیه‌تان را واقعاً خوب به انجام برسانید هر مشکلی می‌تواند حل و فصل شود.

مریله: وقتی برخی از مردم به مریدان دافا می‌گویند که با بیرون آمدن از حزب و سازمان‌های آن موافق هستند، این‌طور است که همین‌طوری و بدون فکر چیزی گفته می‌شود، به‌خاطر این‌که بد به‌نظر نرسند، و از این‌که واقعاً ماهیت حزب شرور را ببینند نمی‌آید. در این موارد آیا این شخص واقعاً نجات یافته است؟

**استاد:** وقتی فکر شخص از درون بیاید، آن‌گاه او می‌تواند نجات یابد. وقتی مردم همین‌طوری چیزی می‌گویند فقط برای این‌که بد به‌نظر نرسند، آن‌گاه بستگی به شرایط دارد. با داشتن شجاعت این‌که بگویند [بیرون می‌آیند]، حداقل بدین معنی است که درباره‌ی دافا فکرهای بدی را در سر نمی‌پرورانند و با داشتن شجاعت برای بیرون آمدن، حداقل بدین معنی است که نسبت به حزب شرور حس خوبی ندارند. البته اگر در حال گفتن یک چیز باشند درحالی‌که دروناً افکار خصمانه‌ای داشته باشند، کاملاً ماجرای دیگری است. خدایان می‌توانند چنین چیزی را ببینند. اما به‌عنوان مریدان دافا، یک چیز این است که، باید کارها را محکم‌تر انجام دهید. صرفاً کارها را سطحی انجام ندهید. نباید سعی کنید مردم را از این طریق که [اگر بیرون نیابند] احساس شرمندگی کنند، مجبور به موافقت کنید. اما می‌دانم که در اکثریت وسیعی از موارد که مردم بیرون آمده‌اند، این‌طور نیست که فقط برای حفظ آبرو این کار را کردند. و بیش‌تر این‌که، با نگاه به وضعیت اصلاح-فا و تغییرات در بشریت در حال حاضر، [می‌توان گفت که] دگرگونی‌های عمده رخ داده‌اند. تغییرات در مردم در سرزمین چین بیش‌تر از تغییرات در چینی‌های خارج از سرزمین چین بوده است، چراکه آن‌هایی که خارج هستند در واقع از کنسول‌گری‌ها می‌ترسند و واقعاً مرعوب آن مأموران ویژه‌ی ناچیز شده‌اند. مردم در سرزمین چین نمایش بزرگی از ناسزا گفتن به ح‌ک‌چ شرور را نشان می‌دهند و از انجام این کار ترسی ندارند. یک‌وقت شما در سرزمین چین زندگی می‌کنید و حزب شرور شما کنترل می‌کند و از آن می‌ترسید، اما وقتی خارج زندگی می‌کنید، خارج از کنترل آن، اگر هنوز هم بترسید... آیا هیچ دل و جرأتی ندارید؟ آیا این ذهنیت این افراد کمی عجیب نیست؟

مریله: اخیراً استاد مکرراً از همه درخواست کرده‌اند که از تمرین‌های مدیریتی مردم عادی یاد بگیرند و از تجربیات‌شان استفاده کنند و شرکت‌ها را اداره کنند. در حال حاضر مدیریت این را در نظر می‌گیرد که آیا رویکردهای مدیریتی خاصی را به‌کار ببرند، اما

برخی از هم‌تزکیه‌کنندگان هنوز در این خصوص بی‌میل هستند و اظهار می‌دارند که، "اداره کردن از طریق انجام هیچ کار، بالاترین قلمرو است." (خنده‌ی حضار)

**استاد:** هیچ عذر و بهانه‌ای نیست که برخی از افراد به آن نیندیشند. (خنده‌ی حضار) چه شرکتی "توسط انجام هیچ کار اداره می‌کند؟" اگر می‌گویید شرکت‌های اداره شده توسط مریدان دافا متفاوت هستند و می‌توانند "از طریق انجام هیچ کار اداره کنند"، آن‌گاه حرف‌تان را باور ندارم. اگر هیچ وابستگی بشری نداشته باشید، آن‌گاه یک خدا هستید. اما آیا هنوز یک موجود بشری نیستید که تزکیه می‌کند. پس درحالی که این هنوز موجودات بشری هستند که تزکیه می‌کنند، آیا بخش بشری شما که هنوز تزکیه را کامل نکرده شبیه یک موجود بشری عادی نیست؟ شما هنوز وابستگی‌هایی دارید که برداشته نشده‌اند، فقط شما، به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، شخص خوبی هستید و سطح شما بالاتر است. اگر با مدیر تضادهایی نمی‌داشتید، وابستگی‌هایی که باعث می‌شوند برای نقش اول با آن‌ها مبارزه کنید یا نمونه‌هایی از همکاری بد [نمی‌داشتید]، و همگی به‌طور واقعی از عهده‌ی این برآید که به درون نگاه کنید، و درون خودتان را جستجو کنید، آن‌گاه حقیقتاً رویکردی به مدیریت خواهید داشت که بهتر از [رویکرد] رسانه‌های عادی است، و بهره‌وری شما برجسته خواهد بود. اما قادر نیستید هم‌اکنون به آن برسید، و این دقیقاً توسط همان وابستگی‌های بشری خودتان سبب می‌شود. در عوض، بهره‌وری شما نشان می‌دهد که پایین است.

مرید: مریدان دافا در سرزمین چین، مریدان دافا در هر یک از مناطق خارج از چین، و مریدان دافا در هر یک از پروژه‌های بسیار زیاد روشن‌گری حقیقت در خارج از چین همگی مایلند از این فرصت در این کنفرانس استفاده کرده تا درودشان را به استاد بخشند، باشکوه و محترم‌مان برسانند.

**استاد:** از همگی تشکر می‌کنم. (تشویق) بسیاری از برگه‌هایی که درود به استاد می‌رسانند را نخواندم و تعداد بیش‌تری نیز بودند که توسط برگزارکنندگان کنفرانس برداشته شدند و به من داده نشدند. اما در هر مورد، استاد از قلب شما آگاه است، و بسیار دل‌تنگ مریدان دافا در سرزمین چین است، همین‌طور آن‌هایی که در هر منطقه از دنیا قرار دارند. (مریدان تشویق می‌کنند) اصلاح-فا قطعاً موفق خواهد شد. این هم‌اکنون یک واقعیت مسلم است. (مریدان تشویق می‌کنند) وقتی در ابتدا این تعهد را آغاز کردم، آن خدایان به من گفتند، "در آینده بشریت قادر خواهد بود تمام کارهایی که انجام می‌داده‌ای را ببینند." پرسیدم چگونه. پاسخ دادند که مردم متلاشی شدن ستاره‌ها و تغییرات در بدن‌های آسمانی را می‌بینند و مردم می‌بینند که این چیزها به تو مرتبط بودند. این تغییرات، ذره ذره، بسیار نزدیک‌تر می‌شوند. بدن‌های آسمانی هرگز چنین تغییرات چشم‌گیری را قبلاً نشان نداده‌اند. اما حالا به سمت این مکان پیش می‌آیند و حتی یک نفر می‌تواند با یک تلسکوپ عادی تغییراتی که بدن‌های آسمانی دستخوش آن‌ها هستند را درک کند. و وضعیت بشریت نیز در حال تغییر می‌باشد. درک مردم از دافا نیز در حال تغییر است، تقریباً انگار ذهن مردم به‌تدریج روشن‌تر می‌شود. این تغییر مانند یخی است که آب می‌شود. در آینده‌ی نزدیک، مردم واقعاً فالون گونگ و مریدان دافا را با نگرشی کاملاً جدید می‌بینند و حقیقت امور، درست در مقابل دیدگان انسان‌ها قرار خواهد گرفت. در آن زمان مردم متوجه خواهند شد که مریدان دافا یگانه امید آنان برای نجات هستند. بنابراین، مریدان دافا باید خوب عمل کنند. واقعاً مأموریتی بر دوش شما است، و واقعاً چنین مسئولیت تاریخی را به‌عهده دارید. و به این دلیل است که می‌گویم باید خوب عمل کنید.

همان‌طور که می‌دانید، همیشه این پرسش بوده است که چرا از وقتی که آزار و اذیت شروع شد چنین تعداد کمی مریدان دافای جدید وجود داشته‌اند. دقیقاً به‌خاطر این است که نیروهای کهن ورود را مسدود کردند و بنابراین هیچ کسی نمی‌توانست وارد شود به‌جز آن‌هایی که شرایطی استثنایی داشتند یا من مشخصاً به آن‌ها نیاز داشتم. این بدین دلیل است که برطبق منطق نیروهای کهن، آزمایش هم‌اکنون به انتهای خود رسیده است و سخت‌ترین دوره سپری شده است؛ و درحالی که مراحل پایانی آزار و اذیت شده است، شیطانی‌ترین و خیانت‌آمیزترین محیط ایجاد شده توسط این آزمایش سپری شده است، و بسیاری از افراد شیطانی که در جایی قرار داده شده بودند مرده‌اند. در حالی که دیگر آن نوع از محیط شیطانی وجود ندارد، آن‌هایی که اخیراً وارد دافا شده‌اند زمان سختی برای بنیان گذاشتن تقوای عظیمی که یک مرید دافا قرار است داشته باشند دارند، و بنابراین [نیروهای کهن] نهایت کوشش خود را برای کنترل [افرادی که وارد می‌شوند] صرف می‌کنند. می‌دانید، در مرحله‌ی قبل، وقتی آزار و شکنجه انجام می‌شد، افراد به‌دلیل داشتن ترس یا درک اشتباهی درباره‌ی دافا نمی‌توانستند وارد شوند. بنابراین حالا که آزار و اذیت به‌طور گسترده‌ای افشاء شده است و

حقیقت کاملاً مشخص شده است و حال و هوا کمتر سخت و شدید است، چرا هنوز هم برای مردم سخت است که وارد شوند؟ حالا می‌دانید چرا.

کار نجات موجودات ذی‌شعور باید توسط شما انجام شود. و نه تنها باید انجام شود، بلکه باید خوب انجام شود. اما این برای استاد انجام نمی‌شود. گرچه این را "نجات موجودات ذی‌شعور" می‌نامیم، اما این کاملاً برای آن‌ها نیز انجام نمی‌شود. این نیز برای خاطر خودتان انجام می‌شود. این بدین دلیل است که موجودات ذی‌شعوری که نجات می‌دهید، که شامل افرادی که حقیقت را برای آن‌ها روشن می‌کنید می‌شود، به احتمال زیاد یک روز بخشی از موجودات ذی‌شعور در کیهان پهناورتان خواهند بود. شما درحال تکمیل کردن و کامل ساختن خودتان هستید، از طریق موفقیت‌تان درحال نائل شدن به آن‌چه که باید شوید هستید و بدون این‌ها نمی‌توانستید آن‌جا به‌عنوان پادشاه باشید و نه می‌توانستید مأموریت‌تان را کامل کنید و تقوای عظیم باشکوه مورد نیاز را بنیان گذارید. امور این‌گونه هستند و از این‌رو قطعاً باید در این خصوص خوب عمل کنید. به خودتان اجازه ندهید در وضعیتی گیر کنید که مدام به‌طور بی‌پایانی جر و بحث می‌کنید، بلکه درعوض، بیش‌تر شبیه مرید دافا باشید و با جدیت، متواضعانه و به‌طور استوار تلاش کنید تا آن‌چه را که قرار است انجام دهید، به انجام برسانید. هر پروژه یا هر کار را، اگر تصمیم می‌گیرید که انجام ندهید، پس آن را انجام ندهید؛ و اگر تصمیم می‌گیرید که آن را انجام دهید، آن‌گاه قطعاً مجبورید آن را به‌خوبی انجام دهید و آن را تا انتها به انجام برسانید. اگر غیر این‌صورت عمل کنید، چگونه می‌تواند وقت و زمانی که تلف کردید در کتابچه‌ی تاریخ ثبت شود؟ هر چیزی که به سرانجام رسانده نشود به‌منزله‌ی شکست است. اما این‌طور نیست که بگوییم یک کار به‌خصوص باید برطبق ایده‌های شما انجام شود و فقط اگر آن موفق شد، شما تقوای عظیم بنیان خواهید گذاشت. بلکه، این عمل همکاری شما و افکاری که همراهی می‌کنند و چگونگی پرداختن شما به امور در روند همکاری است که روند تزکیه به‌حساب می‌آید. اگر در کارتان افکار شما بتواند درست باشد و در ذهن‌تان باشد که تزکیه‌کننده هستید، هرگز مأموریت و مسئولیت خود را فراموش نکنید، و آن بخشی از کارها که شما قرار است اداره کنید را به سرانجام برسانید، آن‌گاه درحال بنیان گذاشتن تقوای عظیم خود هستید، که روند تزکیه‌ی شما است، و آن روند به انجام رساندن مأموریت تاریخی‌تان به‌عنوان یک مرید دافا است. بسیاری از کارها توسط مریدان دافا درحالی که با همدیگر خوب همکاری می‌کنند به سرانجام رسیده‌اند، و بسیاری از کارها توسط مریدان دافا درحالی که مستقلاً کار کرده‌اند به سرانجام رسیده‌اند. هیچ یک از چیزهایی که با آن‌ها مواجه می‌شوید تصادفی نیستند، و به احتمال زیاد تک تک کارها نظم و ترتیب داده شدند چراکه در تاریخ هستند. بنابراین، هر کاری که انجام می‌دهید یا هر چیزی که روی آن کار می‌کنید را دست کم نگیرید. هر چیزی ممکن است کاملاً عادی باشد، و به‌نظر نرسد که اهمیت خاصی داشته باشد، اما، در بعدهای دیگر تغییرات عظیمی را سبب می‌شود.

اما، دقیقاً به‌خاطر این‌که در این مکان توهم هستید، و نه حقیقت چیزها را می‌توانید ببینید و نه مقدس بودن تمام کارهایی که انجام داده‌اید، و از آن‌جا که هر یک از شما یک جنبه‌ی بشری دارد، سخت است که چنین افکار درستی بنیان گذاشته شود و از این‌رو حسی از هیجان را تجربه نمی‌کنید، و باید از عهده‌ی این برآیید که در حین زمان‌های سخت به‌خوبی عمل کنید. فقط با گذر کردن تحت این شرایط است که خارق‌العاده به‌حساب می‌آید. اگر مردم می‌توانستند از این شکوه یا از خارق‌العاده بودن آن‌چه که درحال انجام آن هستید آگاه شوند، هیچ کسی هیچ دودلی نمی‌داشت که این کارها را انجام دهد. اگر هر کسی می‌توانست موجودی خدایی را در مقابل خود ببیند، با ظاهری کاملاً واضح، آن‌گاه هیچ چیز دیگری مهم نمی‌بود و همه چیز را مهیا می‌کرد تا از هر چه که آن موجود خدایی می‌گوید پیروی کند. همه همین کار را می‌کردند، و هیچ تقوای عظیمی برای دراختیار داشتن نمی‌بود، چراکه آن تزکیه نمی‌بود. این جادوی توهم شکسته می‌شد و بنابراین هیچ چیزی به‌حساب نمی‌آمد. اما، دقیقاً به‌خاطر این‌که شخص در میان موقعیت توهم است، نمی‌تواند حقیقت چیزها را درک کند، و بنابراین می‌تواند دیده شود که آیا می‌توانید از عهده‌ی این برآیید تا تزکیه کنید، آیا می‌توانید از عهده‌ی این برآیید تا به آخر با موفقیت به انجام برسانید، و آیا می‌توانید در تزکیه موفق شوید. بی‌اندازه سخت است که یک موجود بشری روی این زمین یک خدا شود، و برای او بسیار سخت است که به آسمان‌ها صعود کند.

گرچه بسیاری از افراد در تاریخ تزکیه کرده‌اند، درواقع هیچ یک در تمرین‌شان موفق نشده‌اند. همان‌طور که قبلاً توضیح داده‌ام، همیشه روح کمکی بود [که موفق می‌شد]، درحالی که روح اصلی واقعی شخص در قلمرو بشری ادامه می‌داد و باز پیدا می‌شد. و این برای بدن بشری شاکيامونی، لائو ذی و مسیح نیز صحت دارد، که همه‌ی آن‌ها حالا دربین مریدان دافا هستند. تقوای عظیمی که جمع‌آوری کردند برای به‌کمال رسیدن آن‌ها کافی بود، و این برای مریدان دافا نیز صحت دارد— به اندازه‌ی کافی زیاد هست که به کمال برسند— و از این‌رو است که گفته‌ام کمال شما موضوعی نیست. موضوع، [به انجام رساندن] مأموریت عظیم نجات موجودات

ذی‌شعور است. فقط این موضوع که از عهده‌ی این برآیید تا این مأموریت را به انجام برسانید است که چیزی حیاتی به حساب می‌آید. به کمال رسیدن خودتان هدف نیست. تاکنون این اندازه تقوای عظیم در گذشته بنیان گذاشتید، و به‌خاطر این چیزها است که ارزش یک مرید دافا بودن را دارید.

استاد مایل نیست که بیش‌تر بگوید. متوجه هستم که درحالی که برخی از مشکلات را ذکر می‌کردم لحن من کمی شدید بود، اما در این موارد همیشه این‌طور است که مایلیم آن‌ها را متوجه شوید. گرچه لحن کمی سنگین بود، اما می‌دانم که هر چه باشد دافا را چند لحظه پیش شروع نکردید و بنیانی قوی‌تر از این چیزها دارید، بنابراین، کمی محکم‌تر صحبت کردن ممکن است درخصوص برخی از چالش‌های خاصی که با آن‌ها مواجه هستید به شما کمک کند. البته، ممکن است پرسش‌های بسیار دیگری وجود داشته باشند که مطرح نشدند. با این همه افراد، فقط مقدار به‌خصوصی از برگه‌های پرسش می‌تواند فرستاده شود. اگر موقعیت پیش‌آید، بعداً بیش‌تر صحبت خواهیم کرد. برای امروز همه‌اش همین است. (تمام مریدان به گرمی تشویق می‌کنند)

زمینه‌های زیادی را امروز مطرح کردم، مطمئن نیستم که چه‌قدر خوب جذب کرده‌اید. و چیزهای زیادی بودند که خیلی کامل به آن‌ها نپرداختم. بسیاری از افرادی که در این کنفرانس تبادل تجربه شرکت کردند واقعاً به‌خوبی تزکیه کرده‌اند، و همگی به‌خوبی سعی خواهید کرد که نگاه کنید و متمرکز شوید بر این که دیگران چگونه خوب تزکیه کرده‌اند، شکاف بین شما و آن‌ها در کجا قرار دارد، و چگونه می‌توانید از این کنفرانس باشکوه استفاده کنید تا خودتان را به رشد ترغیب کنید و آن را به یک نیروی انگیزشی تبدیل کنید. کنفرانس‌های فای ما نباید بیهوده برگزار شوند. همان‌طور که می‌دانید هزینه‌ی پرواز بالغ بر ۱۰ میلیون دلار می‌شود وقتی این همه مرید دافا از سراسر دنیا به این شکل این‌جا جمع می‌شوند. ما این همه پول نداریم همین‌طوری و بدون فکر به‌هدر دهیم، بنابراین ضروری است که این کنفرانس فا برای ما مفید باشد. باید به‌طور واقعی و حقیقی برای تزکیه تلاش کنید، و به حالت فقط انجام دادن آن به‌طور سطحی، نلغزیم؛ نباید وابستگی‌های بشری بسیار زیادی داشته باشید. همان‌طور که استاد می‌بیند، هر یک از افکار شما و هر یک عمل شما این که قلب‌تان چگونه است را برای من آشکار می‌کند. آن‌چه که کم‌تر از همه دوست دارم افرادی هستند که تماماً صحبت می‌کنند و هیچ عملی انجام نمی‌دهند. و آن‌هایی که حيله‌گری می‌کنند را نیز دوست ندارم. چیزی که دوست دارم افرادی هستند که صادق و ساده، بی‌ریا و کارکن هستند. همچنین امیدوارم که همگی بتوانید پس از این همه سال تزکیه کردن به‌طور مثبتی در خرد رشد کنید و نه رشد بسیار زیادی درخصوص آگاهی از این که چگونه به موضوعات دنیایی پرداخت یا چگونه به‌عنوان یک موجود بشری که به زندگی دنیایی می‌پردازد رفتار کنید.

از همگی تشکر می‌کنم. برای امروز همه‌اش همین بود. (تمامی مریدان به گرمی تشویق می‌کنند)